



از نگاه
فریدون
ایل بیگی

m.ilbeigi@yahoo.fr

نوشته های سیاسی

توضیحا بگویم :

قصید من ، نشر نوشته های فریدون است و نه « تبلیغ » برای این و آن سازمان و تشکیلاتی - که سالهای سالست که وجود خارجی ندارند و گناه من نیست که نوشته های فریدون در این نشریات آمده اند ؛ او به راه خود می رفت و منم به راه خودم و همیشه و در همه موارد با هم موافق نبودیم .

به نظرم ، هنوز هم ، امروز ، خواندن نوشته هایش عبرت انگیزست و قابل استفاده . م. ایل بیگی

از مبارزه جاری تا مبارزه توده ای [نوشته ای مشترک فریدون با "کسی دیگر"]

★

رهائی

سال سوم، شماره ی ۱۰۵
پنجشنبه ۱۶ مهرماه ۱۳۶۰

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

از مبارزه جاری

تا مبارزه توده ای



کودتاها را کنار بگذاریم ، چیزی که میتواند آخرین ضربه را به پیکر نیمه جان و در حال نزاع رژیم وارد آورد، حضور و شرکت فعال توده ها به وسیله کارگران و سایر زینتکنان جامعه، از صحنه نبرد است . حلقه فکری و جواب معنای شاکت انگیز هنوز بر سر پا ماندن رژیم محکوم به سست شدن جمهوری اسلامی و علیرغم تمام شرایط مبنی بر مبارزه و نبرد نهایی برای سرنگونی رژیم نهفته است. چرا توده ها با وجود نفرت خود از رژیم جمهوری اسلامی ، در مبارزه ی وسیع علیه رژیم شرکت نمی کنند؟

جامعه ای ایران آستان تحلیلی جدید است. صف آرایی جدیدی که چندان غیرمترقبی سازمانهای سیاسی و حاکمیت در مقابل یکدیگر، خیر از گام بهترین و شایسته ترین کشته شده ترین نیروهای سیاسی جامعه بعد از سرنگونی رژیم مصلحتی را میدهد. حاکمیت ارتجاعی و فزون مصلحتی جمهوری اسلامی با تمام توان فزونی خود بر آستان که از مرگ محکوم خود جلوگیری کند ، حکومت الهی، ضمن پرورش خونین و شمشیر به نیروهای مترقی و انقلابی، تمام امکانات زینتی - شرفی و غیر شرفی، داخلی و بین المللی - خود را بخدات گرفته است تا مانع سقوط نمایندگان خود بر روی زمین شود . اما روز شکار دو سال و نیم حوادث تاریخی، شعارش محکوم را رقم زده است . میباید شرایط اقتصاد اجتماعی و سیاسی ، نه جامه های صاف و بوردسته ... انداز تثبیت رژیم یا حتی رهائی از مرگ حقیقی بلکه سرانجام مرگ بار سقوط را نشان میدهند. سبکهای خشن و اندامهای وحشیانه ، نه نشان قدرت رژیم بلکه دقیقاً نمایشگر روح زنی و ناتوانی و دست و پا زدنیهای خدیوانه ای یک عریض محکوم به مرگ است. علیرغم وجود میباید شرایط اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی و علیرغم هرگونه چشم انداز آشکار برای رژیم در حال مصلحت جامعه ، علیرغم نارضایتی شدید و نفرت اکثریت توده ها از رژیم جمهوری اسلامی علیرغم حضور مبارزان مسلح در صحنه نبرد با مزدوران رژیم و ناپیدی عمده ترین مرسدگان آن رژیم جمهوری اسلامی هر چند سراسیمه و در حال تلاش و درماتسده ولی همینان بر پاسته اگر انواع کودتاها و شبه

دروسخت دیگر :

- * از اطاعت بیخمنار ارتجاع
- * جمهوری اسلامی سالگرد جنگ
- * جایگاهش را جشن بگیرد
- * ایوان و مطبوعات جمهوری
- * اخبار

تکثیر از طرفداران سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور

از مبارزه ...

بنظر میرسد که یکی از دلایل عدمی آن وجود جو سرکوب و وحشیانه ی رژیم باشد. و شکی درم نیست که جمهوری اسلامی و هکتران عادی در حوالی مناطق سرکوبی و بی عنوان شرکت کنندگان در تظاهرات مسلحانه بدون کمترین تحقیر و بدون ملاحظه جانهای اعدام میبارد و پایتخت به فتوای هیأتان رژیم در محل اعدام میکنند، پیداست که مردم میکنند حتی هر چه دستگیر از مناطق سرکوبی در شوند. رژیم جمهوری اسلامی بر سر یک دوراهی قرار گرفته است که هر راه آن بسمت ختمی میشود. سرکوبی و اعدامهای بیشتر و سنگینی از مشکلات عمومی رژیم را حل نمیکند و عزم رزمندگان انقلابی را به سستی نکشاند و سرکوبی رژیم را هم چنان در دستور روز نیروهای انقلابی قرار داد است. از طرف دیگر جمهوری اسلامی بخواهی میداند که کمترین عقب نشینی و سرعت سرکوبی رژیم را شناسایی سرسام آور خواهد بخشید. هر یک از این دو راه، بن بست است و مرگ در انتظار. با این حال رژیم می پندارد که همچون راه سرکوب و ترور و اعدام و کشتارهای وحشیانه ممکن است رسیدن به پایان این راه و ایمن سرنگشت محتمل را غفلتی نر کند و در این فاصله نباید محیزهای رخ دهد.

جو ترور و وحشت و انجام سرکوبی خشن و اعدامها و کشتارها به تنهایی (یعنی بدون ارائه هیچ چیزی انداز یافته ها در زمینهای دیگر از جمله راه نسبی مادی) بر صورت تداعی نه تنها کاربرد خود را از دست میدهد بلکه شدیداً به عکس خود بدل میشود. بنا این همه و تردیدی وجود ندارد که در لحظه کنونی (نه در آ آینده که پیشتر نزدیک)، این جو ترور و وحشت و این سرکوبی خشن و اعدامها و کشتارهای بی دریغی، یکی از مهمترین عوامل باز دارنده ی توده ها در شرکت و حضور در مبارزه و نیروی رعبنا رو با رژیم بشمار می رود، ولی خطاست که این عامل را، بعنوان تنها عامل بازدارنده توده ها از شرکت در مبارزه، حتی در لحظه کنونی تلقی کنیم بلکه در کنار آن عوامل بسیار دیگری وجود دارد که توده ها بویژه کارگران و سایر زحمتکشان را از کشنده شدن به صحنه ی مبارزه باز میدارند و با حداقل آنان را به نامل با میدارند. از جمله ی این عوامل میتوان عوامل زیر را ذکر کرد: عدم اعتماد توده ها به سازمانهای سیاسی (چه در سرکوبی و چه کمونیستی) عدم پیوند این سازمانها با زحمتکشان و ندرستی برخورد آنها نسبت به یکدیگر سرخوردگی زحمتکشان از یک قیام با شکوه از فداکاریهای حماسی و از یک انقلاب بنفارت برده شده، ناروشنی ها و ابهامات موجود بر نامه های مختلف ترین بدیل وجود (میاهدین - بنی صدر) و عدم اعتماد به وعده ها و وحشت از خلاصی از چاه و افتادن به چاه و خلاصه عدم اعتماد زحمتکشان به روند یک تغییر اساسی در جامعه. سازمانهای سیاسی زمانی قادر خواهند گردید که در روند تغییر مبارزه ی فعلی به پیمک مبارزه تودمائی مؤثر باشند که بتوانند موانع ذهنی موجود بر سر توده ها کشدن مبارزات را بر طرف سازند.

آنها ما بعنوان یکی از مهمترین عوامل باز دارنده شرکت توده ها در لحظه کنونی نام میبریم یعنی وجود جو اختناق و ترور و سرکوبی و وحشیانه، اعدامها و کشتارهای هر روزه، چیزی است که توده ها در زندگی روزمره خود آنبیان بوضوح لمس میکنند و احساس

چنین میزان چنان مشخص است که نیازی توضیح ندارد. و در زمینه عوامل اشاره شده در فوق و چند عامل دیگر که از موانع تودمائی شدن مبارزه بشمار میروند به اختصار بهر ازا می.

سازمانهای سیاسی و چه کمونیستی وجه درکوت در طرف نزدیک به سه سال نتوانستند اعتماد توده ها را به خود جلب کنند. این سازمانها که هیچ گاه نتوانستند (و امروز نیز هنوز نمی دانند) چه میخواهند و مبارزه ای ظاهر عقب بوده و در پشت سر توده ها و جریانها حرکت میکنند، طبیعی است که توده ها امروز انعکاس خواسته های خود را در آنها نیابند و بوعده های آنها اعتماد نداشته باشند. جیب ایران که متن از قیام شعارهای " استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی " - سکوت هر سلطان، حیانت است بقران و غیره را کم و بیش تکرار میکند، در دوران قیام هویت ضعیف و مستغف خود را در اذهان از بین برد. بود و بعد از قیام شو غلیظ شرایط مناسب و نخوت کنی حاکمیت، کیفیت قابل توبیه و توانائی بیشتری را ارائه نداد. فدائیان خلق قبل از اینکه چند بار شوند آنقدر چند گوئی کردند که نه تنها اعضا و هواداران بلکه توده ها را نیز دچار سرکوبی کردند. اذهان کارگران ایران از حیثیات های حزب توده آناشته بود و فدائیان اکثریت به تکمیل این تصویر دست گذاشتند. اظہت توده که تفسیر بیجا به تعداد مقاله های نشریه خود وضع

عصی کرد، کیفیتش متفاوت و شناختی بهتر، چشم انداز روشن تر از مبارزه را کارگر ارائه نداد. این کسی ها و سر درگمها و معلق زدنیا آنقدر فراوان و آنقدر تکرار شد که نه تنها اعتماد کارگران به طرف خود جلب نکرد بلکه توده های بالقوه جیب بسط تدریج از جنبش کمونیستی، از نیرویی که ستوانست بیانگر رادیکالترین و انقلابی ترین خواسته های آنان باشد، دور شدند. جیب ایران عظیم تمام فداکاریهای عشی خود و غلیظ تمام از خود گذشتگی های انضام و هواداران سازمانهای مختلف، نتوانست در میان توده ها و در میان کارگران ایران - که بار عظیم انقلاب اجتماعی بیسه دروش آنان مستثنی میکند - جای پیدا کند و آنچه را که بدنیان زایش شدن توهم شخصیتی بوجود آمد نتوانست بصورت نیرویی بالفعل خود بسط کند. جیب ایسران با درد ستون بودن، مانع شده ماند.

توده های که بخشهای عمده جیب ایران را بدینگونه ببینند و شاهد عدم توانائی این نیرو در بسط و سازماندهی زحمتکشان باشند، نتوانند و نباید با دیده تحسین به آن بنگرند و بدستور العملها و وعده های هر لحظه متفاوت و حتی غالباً متناقض آن اعتماد کنند.

بخش عمده ی دیگر اپوزیسیون (عمده ترسین بخش آن در حآن حاضر) یعنی سازمان میاهدین نیز علیرغم موفقیت های چشمگیری که در استون سازمانی خود داشته اند نیز نتوانسته اند خلاصی مرگ تدریجی ایجاد کنند و زنده نگه داشتن امید مردم بخود، مبارزه، به سازمانهای سیاسی و به تغییر مناسبات حاکمیت. از این حیثیت در فراهم کردن زمینه مناسب فعالیت توده ها - مؤثر نباشند. و بیشتر از آن امروزه در سراسر - رویدادهای چند ماهی اخیر، روشن شده است که میاهدین در جلب اعتماد توده ها و حتی در کشاندن آن توده های چند صد هزار نفری تظاهرات خود یا بخشی از آنها، در مبارزه ی کمونی توفیقی نداشته اند. چند صد هزار نفری که در تظاهرات میاهدین شرکت میکنند، اولاً الزاماً همه از هواداران میاهدین توده بلکه در رژیم

جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه دار

حاکم بوده و ثانیاً آن توده های شرکت کننده در تظاهرات، با آنکه میدانستند که آن تظاهرات توسط حزب اللهی ها بخون کشیده میشود، در آن شرکت میکردند ولی همان توده ها در مبارزه ای حاد کشوفی شرکت نداشتند. چرا؟ بی تولید، جوترو و وحشت و سرکوب و اعدامهای وحشیانه، یکی از عوامل مهم در این امر است ولی توضیح رهنده بی غیبت نه تنها توده های عظیم ناراضی و مستغز از رژیم بلکه حتی توضیح رهنده کل مردم حضور همان توده های چند صد هزار نفری در تظاهرات و راه پیمائیهای مجاهدین نیز نمیشاند. اگر مجاهدین بعد از ۳۰ خرداد این توده را داشتند که به محض آغاز عملیات مسلحانه جوانان قهرمان دختر و پسر میآمدند، توده ها از آنان حمایت گسترده خواهند کرد. امروز این جنبش توده ای نیازمند است. مسعود رجوی آنست که در پی از صاحبهای خود در پاریس اعلام داشته است که هدف از مبارزه مسلحانه کنونی مجاهدین، شکستن فضای اختناق و ترور و کشتار است. توده ها به مبارزه کارو یا رد یا رژیم و ایجاد

کنونی که مجاهدین معتقدترین بدیل در مقابل حاکمیت به شمار میروند نیز در توضیح یکی از علل عدم حضور توده ها در آکسیونهای مسلحانه مجاهدین، در این جا در رابطه با مجاهدین برجسته گری خاص میبایند. بهر حال اگر مجاهدین به توده ها توضیح ندادند که چطور در ظرفی کمتر از سه ماه، "امام امت" و رهبر انقلاب، "پدر بزرگوار" به "جیلاد خون آشام" و "ضحاک زمان" به "کفار دم گوی" و "جوش بزرگ قسم" تبدیل شد، ولی کسی نمیتواند از توده ها توقع داشته که لااقل چنان ستوانی را در پیش خود مطرح نکنند و توده های مارکزیست ها و ۵۷، امروز حق دارند که از ریمان سیاه و سفید برسند. بجزه اینکه بنی صدر، همان جمهوری اسلامی و رجوی "جمهوری اسلامی دموکراتیک" را (که دو سال و نیم پیش برای اولین بار توسط بازگان مطرح شد)، عنوان میکنند.

عدم توضیح نکات فوق از طرف مجاهدین بتوده ها - هر چند که به آن نام "تاکتیک" دهند - چیزی نیست که در ضمن توده ها ثبت نشود و بتواند اعتماد لازم به این سازمان را همانند افرادی که در گذشته نسبت به خمینی وجود داشت ایجاد کند. مجاهدین میتوانند با توجه به سن تقیبه خود را به هنگام توضیح در باره مسائل اشاره شده در فوق به "زحمتکشان" کشور ما نشانند ولی ایشان یعنی حاکم آفرینانی که تلقی تعبیری "نوک لوشانو" را در زمان نیست که پشت سر گذاشتند نیز حق دارند. بهمان سادگی گذشته، مقدم "رهبر" یا "رهبرانی" را از پاریس گرامی ندارند که در "میتاق"، هیچ چشم انداز به واقع روشنی برای خواستهای اساسی آنها ارائه ندادند. در این حال چگونه میتوان توقع داشت که توده ها در مبارزه حاد کنونی، بسا وجود سرکوب و وحشیانه ی رژیم، شرکت کنند و بخاطر رسیدن به چه آرمانی زندگی خود را بخطر بیندازند؟

زین اعتراضات، اعتراضات و قیام عمومی است. این چشم انداز میتواند درست باشد اگر چیزی بهتر از "میتاق"، از "جمهوری اسلامی" بنی صدر از "جمهوری دموکراتیک اسلامی" رجوی و از پیانیه ها و صاحبهای رجوی و بنی صدر در پاریس، نبوده ارائه میشد. بهر حال تفاوتی ایدئولوژیک مجاهدین با نیروهای کمونیستی به چگونگی و نحوه عملکردهای مجاهدین یعنی خاصه سو بختند. مجاهدین بر یک فرهنگ مذهبی، که از نظر جهت گیری آن چنان با فرهنگ حاکمیت تفاوت نمینماید، رشد کردند و در چهره ی تظاهرات آن حضور یافته اند. این زمینه ی مذهبی که تشکیل دهنده ی عنصر اصلی و شعور کادرب بخش اعظم توده ها برای بیان دردها و خواسته های ضد امپریالیستی - دموکراتیک آنها بود، زمینه ی مادی رشد مناسب برای مجاهدین را فراهم میکرد و مجاهدین نیز با برخورداری از سنن تشکیل یافته ی گذشته، بخشی از آن سود جستند. اما همین زمینه مذهبی در درون خود آگاهی از دوری این سازمان از مردم را با خود داشت. سنت دیرینه ی تسبیح یعنی تقیه بر زمینه ی خرده بورژوازی مجاهدین آنگاه مورتیبد که تاکتیک به مفهوم خرده بورژوازی آنرا در نزد این سازمان رسوم داشت. مجاهدین با قریب دو سال "حمایت اقتصادی" از رژیم جمهوری اسلامی به بزه حمایت بدون انتقاد از "رهبر" انقلاب، از کتلهای بسیاری از رویدادها و وقایع سرعت گذشته اند و یا چشم بر آنها فرو بستند: سرکوب خلقهای کرد و ترکمن و عرب، سرکوب آزادیهای سیاسی و دموکراتیک، بستن مطبوعات شرقی، حمله به تظاهرات و راه پیمائیهای نیروهای شرقی (غیر از تظاهرات و راه پیمائیهای مجاهدین)، سرکوب زنان و کارگران بیگار، مسئله دانشگاه، جنایات بنی صدر و بجزه جنایات شخص خمینی و دهها نمونه دیگر، از جمله سائلی نیست که از دیدگاه مردم بدور بماند و حتی با گذشت زمان از خاطرها فراموش شود. (انتقاد در زمینه های فوق فقط مربوط به مجاهدین نیست این انتقادات در اکثر موارد، با قدرت بیشتری منوجه سازمانهای کمونیستی نیز هست ولی در لحظه

- البته هیچ دور از ذهن نیست که همین توده ها با بخشی از آنها در صورت شکسته شدن و یا تضعیف جو اختناق و سرکوب، بخاطر نبود بدیلهای خطی یا خواسته های خود، بدیل بنی صدر - مجاهدین را هزار بار ترجیح خمینی ترجیح دهند و در مبارزات درگیر، فعالانه شرکت کنند. هر چند اساسی احاد تقصیرات آنی جامعه از هر آنگون قابل پیش بینی نیست اما آنچه را از هم اکنون میتوان گمان قاطعیت اعلام کرد اینست که شکست حاکمیت خمینی در مقابل ایوبیسین کنونی - بجزه اینکه این شکست در هفته ها و یا حتی ماههای آینده بدست آید - حاصل اجتماعی آن چیزی جز یک تعویق بسوزناتی نخواهد بود. برنامه اعلام شده توسط قدرتمندترین جناح ایوبیسین یعنی مجاهدین - بنی صدر در "میتاق" و رقیق شدن مواضع ضد سرمایه داری ضد امپریالیستی این سازمان در محاسبه های متعدد رجوی و در کنار نظام ارشاد های داخلی و بین المللی بنی صدر که طی سه سال از یک مهاجر ناشناس تا کاپتان یک رئیس جمهور ساخت و همچنین مانع های دینماتیک نفست وزیر انتمایی ایشان در پی خطر جلوه دادن سازمان مجاهدین، برای نیروهای بیخلف داخلی و خارجی، و عیانتریک در نظامهای گذشته نیز به تفصیل در بیرون آن سخن گفته ایم چیزی بیش از اصلاحات نیم بند بیخلفی در نظام سیاسی و اقتصادی آینده کشور ارائه نمیدهد ترکیب نیروهای شرکت کننده در شورای ملو مقابله با مجاهدین، بنی صدر

← برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

و چندتن دیگر در داخل و خارج کشور، برنامه‌ی اعلام شده و حتی نوع خاص تاکتیک مسلحانه‌ی اتخاذ شده از جانب میاهدین که در حقیقت تمامی بدنه این شهر را تشکیل می‌دهند، و همچنین فقدان یک جنبش وسیع کارگری-توده‌ای که بتواند خواسته‌های خود را بطور مستقل بیان کند و یا حداقل در فرمول‌بندی بی‌پای‌خوابتهای اعلام شده از طرف میاهدین تأثیر بگذارد، بدون تحول آتی جامعه را هر چند در اشکال رادیکالی همچون مبارزه مسلحانه تجلی باید، فراتر از یک تحول بورژوازی قرار ندهد. صرف نظر از اینکه اساساً میاهدین نتوانند در اختلاف با بنی صدر و همسرش با جنبش‌های از ارتش و احتیالات حزب دمکرات و حکومت خمینی را سرنگون و بجای آن حکومت دمکراتیک اسلامی خود را برپا دارند یا نه، سؤال آنست که باید کرد؟ به روشنی هر چه تأثیر در مقابل کونیستهای ایران مطرح شده است.

پروژه سرنگونی رژیم خمینی آغاز شده و مستطقی بر زمین بدیل در حال حاضر بدیل میاهدین و بنی صدر است، شکل و ضوین تمسیر نظام سیاسی از هم اکنون روشن است؛ ضوین بورژوازی-شکل قهرآمیز توده‌ها بدلیل مختلف در مبارزه‌ی کونیست و شکست ندارند. کونیستها بدون هیچ پیوند شخصی با جنبش کارگری و بدون هیچ ارتباط معین و آسوده-بخشی با یکدیگر، به مبارزه‌ی برانگیزه یا رژیم ادامه می‌دهند. محسوساً باید به آنست که امروز مشخصاً تاریخ در مقابل سازماندهای کونیستی یعنی تاکتیک کونیستها در قبال جریانات کونیست جامعه قرار داده است، پاسخ داد، و بطرف کونیستها در حرکت فطری چیست؟ صحبت از تعیین وظیفه شخصی است که امکان معین تحقق آن وجود داشته باشد و نه صحبت از فرمولهای عمومی که تحت هر شرایطی با استناد به چند نقل قول خارج از ضوین، آنرا بعنوان وظایف کونیستها قطعی کرد. ما در شماره‌های گذشته و بهنگامی که هنوز مبارزه سیاسی شدت کونی جریان نداشت، به کرات در باره آن سخن گفتیم و تز اتحاد نیروهای چپ را بعنوان تنها راه ممکن جهت موفق دادن بن بست کونیستی به معنی نه تنها با بدیل احتمالی شدن جبهه‌ی برانگیزه بلکه حتی به عنوان یک عامل مهم تأثیر گذارنده در برنامه‌ها و خط مشی‌های بدیل محتفل کونیست، ارائه داده‌ایم. بجز از بیشترین سئوالات مطروحه در جنبش کونیستی ایران - که بدلیل متعدد و مشغله نداشتن دید و برنامه صحیح در جهت اجتماعی شدن الکترنات- تسبیح کونیستی، دوربشت قافله‌ی تاریخ در حرکت است. - چگونگی آغاز یک برنامه صحیح در مقابل با شرایط نوین و از آنجا آغاز یک تاکتیک عملی مناسب برای درگونی این شرایط است. پیدا است که برای پاسخ گویی به سئال مطروحه در سطح جنبش و از آنجا تدوین یک سیاست اصولی و شناخت از تحولات کونیست، توسعه شخصیات عمومی حرکت جاری در سطح جامعه و استخراج استنتاجاتی بیروین وظایف کونیست‌ها ضروری است.

آنچه بطور مشخص بعد از عزل بنی صدر از ریاست جمهوری، تشدید سرکوب و مقاومت نیروهای سیاسی و وقایع خونین ۳۰ خرداد در جامعه می‌گذرد، از نظر کم و کیفی دارای چند مشخصه مهم است: نیرو جاری در سطح جامعه به‌شمار آنکه یک نیرو توده‌ای سازمان یافته علیه حاکمیت جنایتکار کونیست است، نیروی است معدنی بین حاکمیت و سازمانهای سیاسی که بعضاً همچون میاهدین، حزب دمکرات و کویله، از پایه توده‌ای نیستند و سعی بر برخورداری و حاکمیت ارتجاعی نیز هنوز عقب مانده‌ترین بخش توده‌ها

را با خود دارد. هم اکنون ما با سازمانهای شخصی توده‌ای - نه فقهی - و جنبش‌های ارتجاعی و مطالباتی و اعتراضات ضد استبدادی، به آن گونه که در مقطع قیام وجود داشت مواجه نیستیم و نبود جنبش وسیع توده‌ای که اشکال معین سازمانی و شیوه‌های خاص مبارزاتی را با خود به همراه دارد و علی‌رغم اینکه اوضاع حاکم اقتصادی وجود جنبش جنبش را مبطند، صرفاً مربوط به عامل مهم تشدید جو اختلاف و سرکوب و جنبشانه نیست بلکه ادامه حطقی تمامی فعل و انفعالات جاری در سطح جامعه بعد از سرنگونی رژیم سلطنتی است - که یک نمونه آن این است که سازمانهای سیاسی به تشکیل سازمانهای قوی دمکراتیک و دامن زدن به مبارزات دمکراتیک سیاسی نداده و حتی از کار مبارزات جمعی در زمینه آزادی‌های سیاسی نیز بی‌اعتنا رد شدند.

نمی‌توان نبود یک جنبش وسیع توده‌ای را بطوریکه اینکه عناصر مادی چنین جنبشی فراهم است، را تأثیر از تشدید ترور و خفقان و ماهیت فاشیستی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی دانست.

ضار و ترور و اختناق و زندان و شکنجه و اعدامهای دسته جمعی حتی در حدی که جمهوری اسلامی همه آن دست میزند - با اینکه در لفظه، یک عامل سازنده قوی است - ولی تنها توضیح دهنده‌ی نبود یک جنبش توده‌ای نیست و عوامل دیگری نیز در این امر دخیل هستند که در صفحات قبل به آنها اشاره کرده‌ایم. در این رابطه یک نکته دیگر را نیز باید در نظر داشت: مردم از سازمانهای سیاسی چیزی بیرون بیشتر از انسانهای آگاهتر و احسانا، قهارتر انتظار دارند. انتظار آنان، وجود رابطه پدر-فروزندی یا معلم - شاگردی نیست، انتظار یکانگی و اعتماد است. بهر از خیانت رهبری حزب توده قبل و بعد از کودتای ۲۸ مرداد و خیانت جدیدتر فدائیان اکثریت امروز بتوان گفت جنبش اقتصادی و جنبش رابطه‌ی بین توده‌ها و همبیک از سازمانهای سیاسی وجود ندارد. ولی این عمل مهم ذهنی نیز، در کار عمل مهم ترور و سرکوب شدید جمعی، توضیح دهنده نبود یک جنبش وسیع توده‌ای نیست، چرا که در تاریخ معاصر، شواهد متعددی از وجود جنبشهای توده‌ای در غیاب سازمانهای سیاسی وجود داشته است.

در کار تمام این عوامل، همان طور که قبلاً اشاره کرده‌ایم، باید عامل مهم تحریک مستقیم توده‌های مردم را در نظر گرفت. تجارب گذشته دور که در ضمیر ناخود آگاه توده‌ها ضبط شده و تجارب نزدیک آنان که هنوز خاطرات روزها و وقایع اثر بر ذهن آنها زنده است، چیزی نیست که بتوان نادیده گرفت. توده‌هایی که خسته و دلزده و با آرزوهای سرکوب شده از یک انقلاب سیاسی شکوهند بیرون آمده‌اند و علیرغم انزجار شدیدشان از حاکمیت جنایتکار کونیست، بنزد بیشترین بدیل باستانی روی خویشان نخواهند داد. و این نفرت و انزجار هر قدر شدید باشد بینهایی کافی نیست که مردم را بستم مبارزه مستقیم، آنهم بطرف یک سازماندهی رو با رو علیه حاکمیت و با مداران جنایتکار آن بکشاند، بی‌تره و رضی که توده‌ها بدرستی ندانند جامعه آینده با جامعه امروزشان چه تفاوت اساسی خواهد داشت و این تغییر در زمینه‌ی مناسبات سیاسی است و بی‌سای مناسبات اجتماعی؟ بدون امکان تغییر از حیطه عواملی است که در شرکت مستقیم مردم در جنبش سیاسی نقش مهمی ایفا میکند. تبدیل جمهوری اسلامی به جمهوری

پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی



دموکراتیک اسلامی چه تفسیر مبهمی را بدنبال دارد ؟
 به عبارت دیگر نمیتوان نبود چنین وسیع توده‌های در
 مطنع گنونی را فقط به عامل اختناق و سرکوب شده‌ها
 محدود کرد (تا آنطوریکه معاهدین میگویند با درهم
 شکستن این جو از طریق عطیات مسلمانان به جنبش
 وسیع توده‌ای دست یافت) بلکه همین سلسله
 مجموعه‌ی عوامل اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، تاریخی
 و روانشناسی توده‌ای را در نظر گرفت ، و این مجموعه
 عوامل است که بر تداخل با یکدیگر ، شرایط ویژه‌ی
 امروز را ایجاد میکند .

صفاق بی‌صدر و بر نامه رقیب شده‌ی معاهدین
 برای ایجاد شرایط ذهنی لازم در توده‌ای شکست
 خورده‌ی گنونی ، نندیده‌ی نارساست و نباید توقع داشت
 که توده‌ها خاطر تفسیرات ناچیز سطحی بعد از آن اجازه
 بیابند و گوشت دم توپ باسد اران جنبشگاران رژیم خمینی
 بشوند . حتی برای درهم شکستن جو اختناق و تود و
 سرکوب فاشیستی حاکم ، با هدف روی آوردن توده‌ها
 به مبارزه ، علاوه بر اصلاح ، انگیزه‌ای قویتر از پاره‌ای
 اصلاحات روپنایی و چشم اندازی روشنتر از وعده‌های
 مندرج در صفاق لازم است .

نکته آخر اینکه معاهدین علیرغم انسیام سازمانی
 قدرت و انضباط خوب تشکیلاتی ، کارائی نظامی ، اطمینان
 شاید افرای آمیز سایه پایه‌ی توده‌ای خود و برخورداری از
 اعضا و هواداران برجسته و ذکاوار ، اشتباه می‌کنند که خود
 را به همراه بنی‌صدر و چند شخصیت سیاسی دیگر برای سرنگونی
 رژیم خمینی بکنند ، بداند ، در بهترین حالات ، از سازمانهای
 کمونیستی و دفاع زحمت‌گشان نخواهند که به " میسماقی "
 بنی‌صدر " طحق شوند " . اینگونه برخورد با واقعیت‌های
 جامعه و مسائل بسیار پیچیده‌ی جامعه‌ی نظیر ایران جامعه
 آفرین و مصیبتبار است ، سیاست " آس کشک خاله ته " مگر
 به سرنگونی رژیم خمینی هم منجر شود ، در عالم هیسرت
 سر می‌کند و راه به ترکستان میرد . نزدیکترین تجربه
 تجربه‌ی رژیم خمینی است . اگر معاهدین با حسن نیت
 گنونی خود بگویند به آنها نمرسند ، ما تردیدی نداریم که
 مرسند . ادامه منطقی سیاست هر چه من میگویم نسو
 بیدم و بن طحق شود ، به آن رسیدن است ، اولین سنگ
 بنا را - معماران " جامعه دموکراتیک اسلامی " چه بدانند
 و چه ندانند - گچ نهادن است .

اینهارا هم ببینید :

فریدون دانشی که رفت... (زندگینامه) کمی بلند HTM PDF کوتاه HTM PDF

آخرین همسفر (منتخب اشعار) HTM PDF

نوشته‌های سیاسی نوشته‌های پراکنده (ترجمه‌ها) عکسها

